

شمس تبریزی را بهتر بشناسید

«محمد بن علی بن ملک‌داد تبریزی»، متخلص به شمس تبریزی، شاعر قرن هفتم هجری که عشق و عرفان در شاه بیت اشعارش حکمفرمایی می‌کند.



محمد بن علی بن ملک‌داد تبریزی؛ متخلص به شمس تبریزی، شاعر قرن هفتم هجری که عشق و عرفان در شاه بیت اشعارش حکمفرمایی می‌کند. او که به ظاهر فردی دیرجوش، بدخلق و گوشه‌گیر بوده است، برخلاف تصور همگان عشق را برتر از هر مذهب و مکتب دیگری می‌داند؛ اما هیچ‌کس پی به اسرار درون و نواهای عاشقانه‌اش نمی‌برد. شمس همواره اطرافیان خود را که از پرداختن به عشق غافل بودند را مورد نکوهش قرار می‌داد و حتی در مورد پدرش هم می‌گوید: "او نیک مرد بود ولی عاشق نه".

او چون پرنده‌ای روح بی قرار خود را از اسارت قفس جسم و جان می‌رهاند و در پی یافتن همچون خودی پرواز می‌کند و حال این مولانا است که غرق در تدریس و مذهب با دیدن سوخته‌جانی به نام شمس، دل به او باخته و مهمان بی‌قراری‌های وصف ناشدنی می‌شود.

مولانا محضر شمس را درک کرده و مسیر زندگی‌اش افت و خیزهای زیادی را طی می‌کند، در این میان مخالفان شمس روز به روز فزون‌تر شده و نقشه‌ها نیز برای از میان برداشتن او بیش‌تر می‌شود و شمس که نیت دامن زدن به این اختلاف و گیراندن آتش کدورت را ندارد، رخت بر بسته و راهی دمشق می‌شود.

در این مدت مولانا در فراق شمس که تنها 16 روز با او همنشین بوده است، محزون شده و اشعار جان‌گدازی را در وصف او می‌سراید، شمس بار دیگر به اصرار مولانا به قونیه باز می‌گردد، ولی به دنبال بروز اختلافات، این بار با "رفتگی بی بازگشت" ناپدید می‌شود. پس از وفات شمس، مولانا در اوج ناباوری مرگ او را پذیرفته و باقی زندگی‌اش را با یافتن روح شمس در خویشتن به تماشا می‌نشیند.

به گزارش ایسنا، منطقه آذربایجان شرقی، نشست علمی- تخصصی شناخت شخصیت و آثار شمس تبریزی با حضور اساتید و پژوهشگران دانشگاه تبریز و آکادمی علوم جمهوری آذربایجان توسط موسسه تحقیقاتی قفقاز، آناتولی و آسیای میانه دانشگاه تبریز در تالار خاقانی دانشکده زبان‌های خارجی این دانشگاه برگزار شد.

شمس تبریز از نگاه مهاجر بلخ

محمد مهدی پور؛ عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز در این نشست با اشاره به ویژگی‌های شمس تبریز از نگاه مولانا اظهار کرد: سخن گفتن از شمس بدون سخن گفتن از مولانا ممکن نبوده و این دو یکدیگر را به کمال رسانده‌اند، از این رو جدا کردن شمس و مولانا از هم ممکن نیست.

وی عنوان کرد: مولانا، فقیه، واعظ و شیخ مشهور قونیه بود و شمس، فقیهی بی‌قرار بود که مولانا او را مانند خورشید، به شهرت رساند و شمس نیز مولانا را به درجه‌ای از کمال رساند که بر سر زبان افتاد. متأسفانه شمس آن گونه که باید، شناخته نشده است و این اشعار او هستند که تا حدودی او را معرفی می‌کنند.

وی اضافه کرد: حتی پدر شمس هم او را آن گونه که باید کشف نکرده و او را دیوانه خوانده بود و بزرگان نیز از درک حال او عاجز بودند، شمس به دنبال خدا بود و هر جایی که نشانی از تعلقات دنیوی داشت، او را از آن سرزمین فراری می‌داد. ملاقات با اشخاص و سفر به نقاط مختلف، شمس را راضی نکرد و آوازه‌ی فقیه قونیه، او را به قونیه کشاند، پس از چند ماه خلوت و مصاحبت، به دلیل حسادت مریدان مولانا، شمس قونیه را به مقصد دمشق ترک کرد، اما با اصرار مولانا دوباره بازگشت، این بار هم حسادت مریدان باعث شد تا شمس برای همیشه مولانا را ترک کند، اکثر محققان معتقد هستند که این مدت از مصاحبت و هم‌نشینی کافی بوده است و اگر این هم‌نشینی‌ها بیش از دو سال طول می‌کشید، شاید راه رسیدن به عرفان برای مولانا هم طولانی‌تر می‌شد.

گزارش ایسنا، می افزاید؛ ابراهیم اقبالی؛ عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز نیز در ادامه با بیان این که تعاریف زیادی از عرفان ارائه شده است، گفت: برخی عرفان را مقابل شریعت دانسته و معتقد هستند که با عرفان می‌شود کارهایی را که شرع ممنوع کرده، انجام داد، شمس تبریزی نیز تعریف خاص خودش را داشت و عرفای مطرح همچون منصور حلاج، بایزید، شیخ اکبر و سهره را کافر می‌خواند.

وی با اشاره به برخی گمانه‌زنی‌ها در خصوص نحوه مرگ شمس بیان کرد: برخی معتقد هستند که شمس گمنام مرده است و برخی دیگر معتقد هستند، پسرش او را به چاه انداخته و همان جا نیز او را دفن کرده است، از این رو چند مزار به نام شمس وجود دارد.

وی در خصوص بدخلق بودن شمس گفت: مولانا معتقد بود که چشم سه موجود در دنیا همیشه قرمز است، شیر، خروس و شمس؛ شمس نیز معتقد بود که او مانند جوجه اردکی است که یک مرغ (پدرش) از او مراقبت می‌کند تا در دریا شنا نکند و غرق نشود، در حالی که رفتن به سمت آب، جزو ویژگی‌های فطری اردک است.

عیسی حبیب بیگ؛ رئیس انستیتو ادبیات آکادمی علوم جمهوری آذربایجان نیز در این نشست با بیان این که جمهوری آذربایجان برای شناخت شمس به کمک ایران نیاز دارد، گفت: متأسفانه، شمس در آذربایجان آن گونه که باید، شناخته نشده است و آثار زیادی هم از او در دسترس ما نیست، با توجه به این که شمس در تبریز زاده شده و به مکتب رفته و دوران جوانی‌اش را در این شهر سپری کرده است و نظر به این که شمس، اشعارش را به زبان فارسی سروده است، مراودات فرهنگی بین ایران و جمهوری آذربایجان می‌تواند نقش مهمی در شناساندن این شاعر که خورشید ادبیات عرفانی است، داشته باشد.

وی با اشاره به برخی تناقضات در زندگی شمس، اضافه کرد: در برخی منابع گفته شده است که شمس در شام درس خوانده و در برخی منابع دیگر نیز آورده شده که او در آفریقا تحت تعلیم قرار گرفته است، از این رو در بعضی کتب، لقب «شمس مغربی» را می‌بینیم. شمس به خورشید تشبیه شده است؛ چرا که مانند خورشید به نقاط مختلفی سفر کرده و نامش، بلند آوازه شده است.

وی ادامه داد: شمس در ادبیات شرق به عنوان شاعر عرفان شناخته شده است و ویژگی‌هایی مانند هوش، ذکاوت، کمال، فلسفه وجود در اشعار او در قالب سوال و جواب به چشم می‌خورد.

شمس و ادبیات کلاسیک

بر اساس گزارش ایسنا، تیمور کریم‌زوی؛ مدیر بخش نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان در خصوص شمس و ادبیات کلاسیک گفت: با توجه به منابع موجود، به نظر می‌رسد، مولانا و شمس، سبک اشعار خود را از قرآن کریم، به امانت گرفته‌اند، همچنین نظریه افلاطون، فیلسوف یونانی نیز در اشعار شمس به چشم می‌خورد که معتقد بود، روح انسان پس از جدا شدن از حیات اولیه و به زمین آمدن، همواره در حسرت پیوستن به حیات اولیه است، این اعتقاد شمس، او را در چاه یوسف افکند تا نجات یابد و به کمال برسد.

وی اضافه کرد: اگر آثار کمتری از شمس در دسترس عموم است، به این معنی نیست که شمس در جایگاه پایینتری از مولانا قرار دارد، جمهوری آذربایجان برای شناخت بیشتر شمس به ایران نیاز دارد.

گزارش از نسرين سوار، خبرنگار ایسنا در آذربایجان شرقی